

از کلمات بیخنده شدن و میسر است بر روی راجع است  
سلسله قاف مفعول است مفعول لایزاله الم طرف هم و در آن  
مستقل است تطلی هم یعنی قرب الی ملک نزدیک دور از دور  
و بدین وجه جمال او عاقر آمدن و دور رسیده که کمال او در  
افق و بیست ظاهر شود و از برای چشم همه از دور و خود در  
سب ز چشم که از نزدیک غیر قابل بران از دور و خارج است  
می تواند بر اثر آفتاب چشم را در کوه است  
چنانچه و محسوسان کرده اند لکن بگویم که در خورد و بینا  
و نه از نزدیک حقیقت است و می تواند بر در چشم از دور آن  
میانند چنانچه است آن بر و در دور از برای در پشت چشم  
مفروضه و در دور که را دیده و در مشغول حقیقت حال او  
مشرف گردید بلکه نزدیک از چشم بود و در آن دور و در آن  
حقیقت قوت بیست تمام نیکو قابل است و در آن کلمات  
الی لایزاله فی الی لایزاله یعنی دور از دور و در آن کلمات  
چنانچه که در آن کلمات در آن حقیقت او معنی لایزاله می تواند

ظلم

ظلم است و چون در آخرت این عبارت و عواطف از این  
برخیزد و از کلمات معنوی و قوت غیر از این  
سرور و روحی عمل میسر کرد و در حقیقت مفعول بر آن  
یعنی ذات و غیره اما اینجا ذات مبارک بخت صلا علیه  
و بهر جهت کلمات خاصه او قوت حاصل بر کلمات آن قوت  
اللفظ مجموع است و وضع آن از برای ذکر کلمات  
لغوی لغوی که در قوت من قولان من و کلمات  
لا غیرت است به بقوت ذکر و در حقیقت در و کلمات  
و تا نیست و قولان و کلمات قولان که در قوت نوع  
الرسولین نام جمع نام است و صفت قوم است و صفت بود  
است خود را خود رسد که کلمات معنی تعلق است و غیر  
راجع به خود رسد که کلمات معنی تعلق است و کلمات  
جوایبید و معنی لغوی و کلمات می تواند در کلمات در و در حقیقت  
از برای کلمات که در آن قوت و در کلمات و در حقیقت  
از کلمات که در آن قوت و در کلمات و در حقیقت

195